



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره رای خیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Pinchas: The Zealot

پینحاس: مبارز غیرتی

با پینحاس، نوع جدیدی وارد دنیای بنی اسرائیل می شود: مبارز غیرتی.

پینحاس پسر الیعزر، پسر اهلرون کوهن، خشم مرا از بنی اسرائیل برگرداند، زیرا که در میان آنها غیرت مرا به دوش کشید تا مبادا غیرت من به موجودیت آنها پایان بخشد. اعداد ۲۵:۱۱

چندین قرن بعد، شخصیت دیگر تنخ که او نیز غیرتی خوانده شده راه او را دنبال کرد: الياهو که در کوه حورب به خداوند گفت: "پینحاس، الياهو است" (از یالکوت شیمونی، توره، ۷۷۱). پینحاس به گفته ترگوم یوناتان (تفسیر اعداد ۲۵:۱۲)، "به فرشته ای تبدیل شد که برای ابد زندگی می کند و ارمغان دهنده رستگاری در آخر زمان خواهد بود."

نکته بسیار درخشان این است که یهودیت چه در دوران توراتی و چه پساتوراتی با ایده غیرتی بودن روبه رو شده است. ابتدا باید دو پیش زمینه را یادآور شویم.

نخست رویداد پینحاس است. بیلعام که در نفرین کردن بنی اسرائیل شکست خورده بود، سرانجام با در پیش گرفتن نقشه ای موفق شد. او زنان موآبی را برای فریفتن مردان و کشاندن آنها به بت پرستی فرستاد. این امر خشم عظیم الهی

را برانگیخت و طاعون در میان بنی اسرائیل افتاد. زیمیری که رهبری از قبیله شیمون بود، کار را خرابتر کرد و زنی میدیانی را به اردوگاه آورد و با او به جفتگیری پرداخت. شاید او با احساس کردن ضعف موسی در این زمینه که خودش یک زن میدیانی داشت، این کار را کرد. پینخاس پیشقدم شد و هر دوی آنها را با چاقو کشت و به این کار ناشایست و طاعونی که ۲۴،۰۰۰ تن از بنی اسرائیل را تا آن لحظه کشته بود، پایان داد. این بود داستان پینخاس.

داستان الیاهو با دستیابی آحاب به تاج و تخت سلطان نشین شمال یعنی اسرائیل آغاز شد. شاه با ایزابل ازدواج کرده بود که دختر شاه سیدون بود و زیر تاثیر او پرستش بعل در میان مردم سلطان نشین رواج یافت. او معبدی برای بت پرستی ساخت و برجی در سامره برپا ساخت در پرستش مادرخدای اوگاری به نام عשרه. در این میان، ایزابل در تدارک کشتار انبیاء خدا بود. کتاب اول پادشاهان، باب ۱۶، درمورد آحاب می گوید که: "او بیش از همه شاهان پیش از خود شرارت ورزید."

الیاهو اعلام کرد که خداوند برای مجازات شاه و ملت پرستنده بعل خشکسالی خواهد فرستاد. وقتی آحاب الیاهو را بازخواست کرد، الیاهو از ۴۵۰ نفر از انبیاء بعل دعوت کرد که در کوه کرمل آزمونی انجام دهند. وقتی همگی گردآمدند، الیاهو آزمون را توضیح داد: همه انبیاء بعل قربانی هایی برای درخواست باران از خدا آوردند و الیاهو نیز چنین کرد. و اعلام کرد هر کس که بتواند از آسمان آتش برای قربانی بیاورد، خدای او حقیقی است. انبیاء بعل پذیرفتند و تدارک دیدند، سپس خدای خود را خواندند، اما هیچ اتفاقی نیفتاد. در نمایشی بیسابقه و تحقیرآمیز الیاهو از آنها خواست که بلندتر فریاد بزنند. شاید گفت که بعل مشغول سفر است یا خوابیده است. انبیاء دروغین به خودزنی افتادند و خون از سر و روی خود جاری ساختند، اما هیچ اتفاقی نیفتاد. سپس الیاهو قربانی خود را آماده کرد و از مردم خواست که سه بار روی آن آب بریزند تا آتش گرفتنش سخت تر شود. او سپس به درگاه خدا درخواست کرد. آتش از عرش فرود آمد و قربانی را سوزاند. مردم دچار وحشت شدند و فریاد برآوردند: "خداوند، او خداست! خدا اوست!" این کلمات را امروز ما در اوج نهیلا در پایان یوم کیپور می گوئیم. سپس مردم انبیاء دروغین بعل را کشتند. خداوند پیروز شده بود.

هیچ شکی نیست که پینخاس و الیاهو قهرمانان ایمانی بودند. آنها در مقطعی از زمان دست به کار شدند که ملت با بحران ایمانی و اخلاقی روبه رو بود و خشم خدا را برانگیخته بود. آنها وقتی وارد عمل شدند که بقیه مردم در بهترین حالت، تماشاگر بودند. آنها با این کار زندگی خود را به خطر انداختند. شکی نیست که اوباش با آنها دشمن شده و به

آنها حمله کردند. به راستی، پس از آزمون کوه کرمل، ایزابل قصد کشتن الياهو را کرد. هر دو مرد به خاطر خدا، صلاح دين و ملت وارد عمل شدند. خود خدا نياز بارها در توره 'غيرتمند' خوانده شده است. اما برخورد با هر دو آنها در متون توراتي دوگانه است. خدا به پينخاس "عهد صلح خود" را مي دهد، يعني او هيچ گاه ديگر خودش نقش غيرتمند را بازي نخواهد كرد. در واقع، در يهوديت ريختن خون انسان با عبادت در محراب مقدس همخواني ندارد (شاه داوود به همين دليل از ساختن بيت هميقداش محروم شد. نگاه كنيد به كتاب اول تواريخ ايام ۲۲؛* و ۲۸:۳). در مورد الياهو او به آشكاري در يكي از صحنه هاي مهم توره از سوي خدا مورد انتقاد قرار گرفت. خدا به او گردباد، زلزله و آتش نشان داد، اما خدا در هيچ يك از آنها نبود. سپس خدا در "صدايي خفيف و آرام" خود را به الياهو نشان داد (كتاب اول پادشاهان باب ۱۹). آنگاه خدا از الياهو براي دومين بار پرسيد: "اينجا چه كار مي كني؟" و الياهو دقيقاً با همان كلمات قبلي به او پاسخ داد: "من براي خداوند، قادر متعال بسيار غيرتمند بوده ام." او متوجه نمي شود كه خدا مي خواست به او بگويد كه او را در رويارويي هاي خشونت آميز نمي توان يافت، بلكه او را در سخنان نرم و با صداي خفيف بايد يافت. خدا سپس به او مي گويد كه اليسع را به جانشيني خود بگمارد. به بيان ديگر، پينخاس و الياهو هر دو با ملايمت از سوي خدا مرخص شدند.

از نظر هلاخا كار پينخاس پشتوانه اي بسيار محدود داشت. هر چند كار او قانوني بود، اما حكيमान مي گويند كه اگر زيمري برگشته و پينخاس را كشته بود، چون از خود دفاع كرده بود، بيگناه مي بود. اگر پينخاس حتي يك لحظه پس از انجام كار ضداخلاق زيمري را كشته بود، متهم به قتل مي شد. و اگر پينخاس از محكمه قانون پرسيده بود كه آيا مُجاز به اين كار بود يا نه، پاسخ به او "نه" بود. اين، مورد نادري در قانوني است به نام *halachah ve-ein morin kein* "قانوني كه تدريس نمي شود". (سنهدين ۸۲ الف).

چرا اين دوگانگي اخلاقي وجود دارد؟ ساده ترين پاسخ اين است كه فرد غيرتي بر اساس عوامل هنجاري قانون عمل نمي كند. زيمري ممكن است گناهي مرتكب شده باشد كه مجازات آن مرگ است، اما پينخاس بدون محاكمه، يك حكم را اجرا كرد. الياهو درست است كه بر اساس حكم محو كردن بت پرستي از ميان بني اسرائيل رفتار كرده باشد، اما او عملي انجام داد كه در حالت عادي در قانون يهود ممنوع بود: قرباني دادن در خارج از معبد. در قانون يهود شرايطي خارق العاده پيش بيني شده اند كه يك شاه يا محكمه قانون مي تواند مجازاتي خارج از قانون را براي برقراري نظم اجر كند (هارامبام، هيلخوت سنهدين ۴:۲۴؛ هيلخوت ملاخيم ۱۰:۳). اما پينخاس نه شاه بود و به نماينده محكمه.

او خودش عمل کرد و قانون را در دستان خودش گرفت (*avid dina lenafshei*). در مواردی که پیامد بیعملی فاجعه بار است، این کار موجه است. اما معمولاً نباید چنین عمل کنیم، زیرا نتیجه آن بیقانونی و رواج بیشتر خشونت است.

در نگاهی عمیقتر، فرد غیرتمند در واقع خود را به جای خدا می گذارد. به قول راشی در تفسیر این عبارت "پینخاس ... با غیرتمندی خود خشم مرا از بنی اسرائیل برگرداند و انتقام مرا گرفت و خشمی را نشان داد که من می بایست نشان دهم" (تفسیر راشی از اعداد ۲۵:۱۱).

در یهودیت، به ما دستور داده شده که "در راه های خدا گام برداریم" و از صفات او تقلید کنیم. "همان گونه که او رحیم و بخشنده است، شما نیز رحیم و بخشنده باشید." اما در مورد اجرای مجازات یا انتقام این امر صادق نیست. خدا که بر همه چیز واقف است می تواند بدون محکمه مجازات کند، اما ما انسان ها نمی توانیم. شکل هایی از اجرای عدالت هست که قلمروی خدا هستند، نه ما انسان ها.

فرد غیرتی که قانون را در دستان خود می گیرد، در کاری وارد می شود که خطر اخلاقی در آن نهفته است. فقط مقدسترین ها می توانند یک بار در زندگی در شرایطی ناگزیر خطر برای ملت که هیچ کس دیگری عمل نمی کند، چنین کنند. حتی آن زمان هم اگر فرد غیرتی از دادگاه مجورز اجرای مجازات بخواهد، دادگاه به او این اجازه را نمی دهد.

پینخاس نام خود را به پاراشایی داده که در آن موسی از خدا می خواهد جانشینی برایش برگزیند. ربی منحم مندل، ربّه کوتزک، می رسد چرا پینخاس که در آن لحظه قهرمان بود، به جای یهوشوع برگزیده نشد؟ پاسخ او این است که یک فرد غیرتی نمی تواند راهبر باشد. راهبری نیازمند صبر، تحمل و احترام به فرایند قانون است.

جنگنده های غیرتی در زمان محاصره یروشالایم در واپسین روزهای معبد دوم نقش مهمی در ویران سازی شهر داشتند. آنها بیشتر به فکر جنگیدن با یکدیگر بودند تا به فکر جنگیدن با رومیان که در بیرون حصارهای شهر منتظر بودند. هیچ چیزی در زندگی ایمانی بیشتر از غیرت مخاطره آمیز نیست و هیچ چیزی بیشتر از حقیقتی که خدا به الیاهو آموخت، اهمیت ندارد: این که خدا در اعمال زور نیست، بلکه در صدایی خفیف و آرام است که گناهکار را از گناه برمی گرداند. انتقام، فقط کار خدا است.

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقییان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved